

رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی در ساحت‌های شش‌گانه

سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش

نویسندگان: محمد نوروزی نژاد^۱، دکتر مینو طباطبایی^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۵

دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۹

چکیده

در پی مطالبه رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر ضرورت تحول بنیادین در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی- ایرانی و پرهیز از الگوهای وارداتی و تقلیدی، سند تحول بنیادین که نقشه راه قانون اساسی نظام تعلیم و تربیت است، تدوین گردید. بر این اساس، هدف از این تحقیق بررسی رویکرد های دینی و قرآنی در این سند است. در این پژوهش سند تحول بنیادین از دو جنبه تربیت دینی، قرآنی و مؤلفه‌های آن و نگاه سند به مقوله تربیت دینی از نظر مبانی و ساحت مورد بررسی قرار گرفته است.

روش مورد استفاده در تحقیق، کتابخانه‌ای است که با مراجعه به کتاب‌ها و منابع و مدارک و سایت‌های مرتبط با موضوع برای جمع‌آوری اطلاعات در نمونه مورد مطالعه- دانشگاه پیام نور شهرستان بدره و مدیریت آموزش و پرورش شهرستان- استفاده شده است. نتیجه تحقیق نشان داد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که سندی تربیتی است، از منظر تربیت دینی دارای نقاط قوت و ضعفی است که نقطه کمال آن، فراهم نمودن بستر حیات طیبه اسلامی برای متولیان- به تاسی از قرآن کریم- است. نقاط ضعف سند نیز لازم است با ارائه راهکارها و توجه به همه انواع تربیت بر اساس ساحت‌های شش‌گانه وجودی متربیان، عملیاتی کردن سند در سطح خرد مدارس، بکارگیری مربیان تربیتی و

۱. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، monoroz95@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، واحد اصفهان، dmtabatabaie@yahoo.com

قرآنی توانمند و اختصاص بودجه کافی برای فعالیت‌های تربیتی و دینی و قرآنی در حوزه تعلیم و تربیت برطرف شود.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت دینی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ساحت‌های شش‌گانه

مقدمه

اهداف پژوهشی هر نظام آموزشی، نشان دهنده فلسفه و اصول آموزش و پرورش آن نظام است؛ چنانچه اگر فلسفه آموزش و پرورش در یک کشور، پرورش انسان‌های کارآمد باشد، اصول آموزش و پرورش و اهداف آن نیز جلوه‌گر فلسفه کارآمدی خواهد بود.

در نظام آموزشی ایران نیز بر اساس اعتقادات اسلامی ملت و قوانین و لوایح موجود- مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش- اولویت و جهت کلی برنامه‌ها و فعالیت‌ها تقویت ارزش‌های الهی و معنوی در دانش‌آموزان است؛ به عنوان مثال، در اصل چهارم از اصول حاکم بر نظام آموزش و پرورش چنین آمده است:

در آموزش و پرورش نه تنها تعلیمات دینی خاص، بلکه همه برنامه‌ها و آموزش‌ها باید به عنوان اجزای یک مجموعه هماهنگ اسلامی بر حسب اقتضا و گنجایش، جنبه و جهت دینی داشته باشد. برنامه ریزان و معلمان باید در همه برنامه‌ها و فعالیت‌ها بنا بر مقتضیات خاص هر موضوع به جنبه‌های الهی و تقویت بینش دانش‌آموزان توجه کنند. (اصول حاکم بر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸)

البته باید توجه داشت که نگرش اسلام نسبت به انسان، نظام تعلیم و تربیت را به پرورش تامی ابعاد وجودی انسان در تعیین اهداف نظام آموزشی توجه داده است؛ چنانچه هدف کلی، تربیت انسان معتقد و مسلمانی است که بتواند در ابعاد مختلف رشد یابد که این ابعاد در کنار بعد دینی و اخلاقی، وجوه مختلف اهداف

نظام آموزشی را تشکیل می‌دهد؛ لذا در نظام آموزشی ایران، اصطلاحاتی نظیر تربیت سیاسی، تربیت اخلاقی و تربیت هنری ناظر بر مجموعه فعالیت‌ها، برنامه‌ها و طرح‌هایی هستند که به تحقق هر یک از مجموعه اهداف مصوب کمک می‌کنند. به عنوان مثال؛ می‌توان به مجموعه طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با تحقق اهداف هنری، تربیت هنری نام دارد و به مجموعه طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با تحقق اهداف دینی و اخلاقی، تربیت دینی و اخلاقی اطلاق نمود.

از طرفی با تشکیل دبیرخانه سند ملی آموزش و پرورش و با توجه به رهنمودهای مربوط به فرآیند تدوین آن و با نظر به اهمیت خاص تربیت دینی و تربیت اخلاقی و نیز ارتباط خاص این دو ساحت تربیتی با یکدیگر، مسئولان سند بر آن شدند تا ساحت تربیت دینی و تربیت اخلاقی را به عنوان یک بخش واحد و مستقل در نظر بگیرند. بر این اساس، در تهیه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است با الهام از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ شمسی تبیین شود.

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی-انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی باشد. (سند تحول راهبردی، ۱۳۹۰: ۳۴)

بر این اساس، تحقیق در نظر دارد سه موضوع زیر را مورد بررسی قرار دهد:

۱. تربیت دینی چیست و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن کدامند؟
۲. نگاه سند تحول بنیادین به مقوله تربیت دینی چگونه است؟

۳. نقات قوت و ضعف سند تحول بنیادین در مقوله تربیت دینی کدامند؟
۴. چگونه می‌توان اثرگذاری ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت را به منظور بهره‌گیری از رویکردهای دینی و قرآنی، افزایش داد؟

مبانی نظری تربیت دینی

یکی از ادله اهمیت و ضرورت تربیت دینی و قرآنی این است که خداوند برای تحقق این امر، ۱۲۴ هزار پیامبر برانگیخت که با تحمل سختی‌های فراوان و گذر از آزمون‌های گوناگون در صدد بودند این هدف الهی محقق شود و انسان از رهگذر تربیت دینی به مقام عبودیت نائل شود.

از دیگر مؤیدهای ضرورت و تربیت دینی این‌که امام علی علیه السلام آن را یکی از حقوق فرزندان بر پدر و مادر می‌شمارد. (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۷۰)

هدف اصلی تربیت دینی موحد شدن متربی است که مراتب و مراحل دارد؛ ابتدا باید متربی توحید نظری داشته باشد، به این معنا که خداوند را بشناسد و به وحدانیت او قائل شود؛ سپس این توحید نظری در عمل عبادی او متجلی شده، او را بپرستد و از او فرمان ببرد که این به معنای توحید عملی است. (عیسی‌پور، ۱۳۹۳)

اهداف تربیت دینی در بعد آموزش دینی نیز عبارت است از ارائه و تبیین معارف و تعالیم بنیادین و ارزش‌های دین به شیوه مستدل و معقول (دانش و نحوه کاربرد آن) و در پرورش دینی عبارت است از زمینه‌سازی برای التزام و تعهد شخصی و درونی دانش آموزان نسبت به هنجارها و احکام دینی (در حد اسلام) و آمادگی برای اعتلای جریان زندگی بر اساس ضوابط دینی و فراهم آوردن انگیزه برای متربیان جهت وصول به مراتب بالاتر دینداری و اخلاق. (ر. ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸)

در تربیت دینی، فرد متناسب با دستورات الهی و الگوپذیری از سنت و سیره معصومین علیهم السلام شخصیتش شکل گرفته و به سازندگی نفس می‌پردازد. تربیت دینی و

متوسل شدن به دین و مذهب از ضروریات غیر قابل انکار است که این ضرورت در جامعه امروز که مملو از نابسامانی‌ها است، بیشتر احساس می‌شود.

با تبیین ضرورت و اهمیت مسئله، در ادامه به تبیین تربیت دینی به صورت تفکیکی و تجمیعی پرداخته می‌شود:

تربیت از ریشه «ربوه» به معنای زیادت، فزونی، رشد و برآمدن گرفته شده است و کاربردهای گوناگون آن بر پایه معانی همین ریشه است؛ چنان‌که «ربوه»، نفس عمیق و بلند را گویند که موجب برآمدن سینه است.

«ربوه» و «رابیه» به معنی سرزمین بلند و مرتفع است و ربا یعنی زیاد شدن که در اصطلاح شرع مخصوص به افزوده شدن سرمایه به غیر از سود شرعی است و «اربتان» دو قسمت گوشت بن ران در قسمت کشاله ران گویند که بالا می‌آید و حالت برآمدگی دارد و «اربی علیه» یعنی بر او اشراف و احاطه یافت و «ریت الولد ربا» یعنی فرزند را تربیت کردم و او رشد کرد. (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰)

حضرت علی علیه السلام در توصیف انصار به منزله پرورش دهندگان اسلام می‌فرماید: به خدا آنان اسلام را پروراندند، چونان مادری که فرزندش را پروراند، با توانگری و دست‌های بخشنده و زبان‌های برنده. (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۵) در کلام حضرت مفهوم «ربوه» به معنی پرورش دهنده و رشد دادن آمده است. «رب» در اصل به معنی تربیت و پرورش است و عبارت است از ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد. این تعاریف از تربیت به مواردی چون سازگاری با محیط، انتقال فرهنگ رشد و تکامل آدمی، افزایش یافتن و پرورش دادن اشاره می‌کند.

به بیان دیگر، تربیت عبارت است از آماده‌سازی شرایط پیرامونی فرد برای ایجاد تغییرات مطلوب برای رسیدن به رشد و کمال مطلق در آدمی؛ لذا وظیفه تربیت

عبارت است از سازندگی و آفرینندگی، ساختن و سازمان دادن، تلاش برای ایجاد تعادل بین نیازها و تعدیل تمایلات و غرایز.

بنابراین، تربیت عبارت است از آماده سازی شرایط پیرامونی فرد برای ایجاد تغییرات مطلوب برای رسیدن به رشد و کمال مطلق در آدمی. (حاجی بابائیان، ۱۳۹۱: ۲۲)

تربیت با چنین تعریفی، واجد چند خصوصیت اساسی است؛ از جمله فرایندی تدریجی و مستمر، چند بعدی، هدفمند و ارزشی، مجموعه‌ای هماهنگ از تدابیر اقدامات و تناسب با خصوصیات مخاطب. (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰)

از طرف دیگر، دین به معنای خاص دین حق، نظامی از عقاید و قوانین و ارزش‌ها متناسب با آن عقاید است که از سوی خالق یگانه هستی برای هدایت آدمیان به سوی کمال توسط پیامبران نازل و ابلاغ شده است؛ با این تعریف، دینداری - تدین - تلاش مستمر برای نیل به حیات طیبه بر اساس رهنمودهای وحی است که بر مبنای ایمان آگاهانه به عقاید دین حق و التزام به لوازم آن عقاید صورت پذیرد. (صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۷).

تدین دارای مراتبی است که عبارتند از: اسلام ظاهری، اسلام - ایمان، تقوا و یقین. بیان این نکته نیز لازم است که تدین با اخلاقی زندگی کردن رابطه داخلی دارد؛ چرا که اخلاقی بودن در مواردی پیش‌نیاز دینداری است و در مواردی لازمه دینداری است، چون دینداری ضامن اخلاق است و در مواردی نیز کمال دینداری است؛ چون گوهر دین اخلاق است.

نکته دیگر اینکه دین شامل گزاره‌های توصیفی و تجویزی است و سه عنصر اساسی دارد:

- شناخت که علم به اصول و قواعد ضروری دین است؛ یعنی متدین باید گزاره‌های دینی را از طریق استدلال و برهان عقلی دریافت نماید.
- ایمان که التزام قلبی انسان به باورها و اصول مسلم دینی است.

- عمل به این معنا که آن‌چه فرد از باورهای دینی می‌داند و به آن ایمان دارد، در مرحله عمل نیز آشکار سازد.

از برایند تبیین انجام شده، به تربیت دینی می‌رسیم که به صورت تدریجی ایجاد می‌شود؛ مانند چکیدن قطرات شبنم در دل سنگ و به صورت شکوفا شدن، ظاهر شدن و بالفعل شدن توانایی‌ها است؛ لذا کار مربی این است که استعدادها را درونی مخاطب مورد تربیت را شکوفا سازد.

در تعلیم و تربیت جاری آن‌چه کمتر از همه عوامل و شرایط دخالت دارد، احوالات درون‌متربی و نادیده گرفتن نیروی عشق و جود اوست، تمام روش‌ها از طریق برنامه‌ها و طرح‌های مختلف برای تغییر رفتار متربی مهیا شده است، بدون آن‌که توجهی به امیال و نیازهای او بشود. اصطلاح تعلیم و تربیت دینی در معانی مختلفی می‌تواند به کار رود؛ اما کاربرد آن در دو معنای زیر رایج‌تر است:

- تعلیم و تربیت دینی به معنای تعلیم و تربیت متخذ از منابع دینی یا مجموعه آموزه‌های مربوط به تعلیم و تربیت است که از منابع دینی اتخاذ شده است. در این معنا آن‌چه محققان با استفاده از روش‌های معتبر از متون دینی درباره تعلیم و تربیت استنباط می‌کنند، تعلیم و تربیت دینی (اسلامی) نامیده می‌شود. بر این اساس، نظام تعلیم و تربیت که شامل مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، مراحل و موانع تعلیم و تربیت است، ممکن است از منابع و متون دین مسیحیت گرفته شود یا از منابع و متون دین یهودیت اخذ شود؛ چنان‌که می‌تواند از منابع و متون دینی اسلام استنباط گردد که در این فرض مترادف با تعلیم و تربیت اسلامی است. در هر صورت، آن نظامی تعلیم و تربیت دینی برگرفته از دین خواهد بود که به پرورش همه ابعاد مختلف وجود انسان همچون بعد اجتماعی،

سیاسی، اقتصادی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی و دینی نظر دارد و چگونگی پرورش این ابعاد را از نظر آن دین خاص معرفی می‌کند.

- تربیت دینی به معنای تربیت بعد دینی انسان؛ به این معنا که مجموعه اعمال عمدی که با هدف آموزش گزاره‌های اعتقادی یک دین و پرورش ایمان و التزام عملی به آن آموزه‌ها صورت می‌گیرد. در این معنا بعد دینی انسان هم‌عرض ابعاد دیگر او مانند ابعاد عقلی، عاطفی، اجتماعی و جنسی انسان است؛ لذا همان‌طور که می‌توان درباره بعد عقلی انسان و چگونگی تربیت این بعد سخن گفت، تربیت بعد دینی او نیز به عنوان فرایندی عملی قابل بررسی و مطالعه علمی است.

با توجه به این تبیین و اینکه تربیت، فرآیندی است که هدفمند بوده و قصد دارد رفتار فرد را از وضع موجود به وضع مطلوب تبدیل کند؛ لذا تربیت دینی فرآیندی هدفدار است که می‌خواهد رفتار را مطابق با شاخصه‌های دینی، دینی کند.

به بیان دیگر، تربیت دینی مجموعه‌ای از اقدامات و تلاش‌ها برای ایجاد دگرگونی در فکر و عمل است که منطبق با موازین و دستورات اسلامی باشد. تربیت دینی به دلیل اینکه در رساندن به کمال و سعادت انسان نقش دارد، از اهمیت فراوانی برخوردار است. با تربیت دینی آنچه حاصل می‌شود، انسانی معنوی دارای قلبی به صبغه خدایی است (داوودی، ۱۳۸۶: ۲۶) و به معنای اعم، یکی از مقدمات و لوازم تربیت دینی به معنای خاص است.

تربیت دینی دارای ابعاد زیر است: دانشی، گرایشی یا عاطفی، عملی یا مناسکی، پیامدی، اخلاقی و تجربه شخصی. (صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۷)

از آنجا که اعتقادات و عبادات مهم‌ترین و برجسته‌ترین بخش تربیت اسلامی است، تربیت اعتقادی و تربیت عبادی زیر چتر تربیت دینی معنا پیدا می‌کند که در تربیت اعتقادی پنج اصل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت که به اصول اعتقادات

معروف هستند، از سایر اعتقادات مهم‌تر است. تربیت عبادی نیز به کارهایی اطلاق می‌شود که فی‌نفسه بیان‌گر عبودیت و بندگی هستند، مانند نماز و روزه.

مؤلفه‌های تربیت دینی

۱. ارادی و اختیاری

اراده و اختیار به موازات یکدیگر، از ویژگی‌های ذاتی و فطری انسان به شمار می‌روند و ملاک انسانیت و معیار تکلیف و مسئولیت‌پذیری و میزان ارزش و سنجش رفتارهای انسانی به حساب می‌آیند.

اراده هنگامی شکل می‌گیرد که کشش‌ها و جاذبه‌هایی در نهاد انسان به صورت طبیعی برانگیخته شوند و زمینه‌ها و شرایط تحقق آنها فراهم گردد.

به عنوان مثال؛ اراده انسان برای خوردن غذا هنگامی فعال می‌شود که میل به غذا در انسان فعال شده و شرایط و زمینه لازم برای تحقق این میل فراهم آید. ارضای این میل ممکن است از راه‌های گوناگونی میسر شود که انسان بسته به اراده خویش یکی از این راه‌ها را برمی‌گزیند؛ بدین صورت، اختیار همراه با اراده و پیرو آن، معنا می‌یابد، به گونه‌ای که اختیار بدون اراده جایگاهی در عرصه اندیشه و رفتار انسانی ندارد. از طرفی، اختیار انسان هنگامی به کمال شایسته خود می‌رسد که وی بتواند نه در شرایط ناخواسته، بلکه با آگاهی لازم و بدون الزام یا اکراه و تنها به اراده خویش از میان چندین گزینه پیش‌روی را برگزیند و به آن متعهد شود.

بر این اساس هر انسانی، متعهد و مسئول شناخته می‌شود و متناسب با مسئولیت و تعهدی که دارد، بر ادای وظایفی مکلف می‌گردد. در مجموع، اراده و اختیار را باید از جمله شرایط اساسی تکلیف‌پذیری از تربیت دینی برشمرد؛ به گونه‌ای که گفته شده است انسان آن‌گاه مکلف است به انجام یک وظیفه که اجبار یا اضطراری در کار نباشد؛ چون اگر چنین باشد، تکلیف ساقط می‌گردد.

۲. انگیزه دینی

انگیزه از مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین عناصر روانشناختی است که در پیدایش احساسات، گرایش‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها نقش حیاتی ایفا می‌کند. در تربیت دینی تأکید بر این است که هیچ کار اختیاری بدون نیت و انگیزه انجام نمی‌گیرد و هر کار که از روی اختیار انجام گرفت، یک داعی یا انگیزه‌ای برای انجام آن کار در نفس فاعل آن وجود دارد که سبب می‌شود تا فاعل، آن کار خاص را ترک نکند و یا به جای آن، کار دیگری غیر از آن را انجام ندهد.

در تربیت دینی مهم این است که مربی و فراگیر به هدف تربیت بیشتر بیندیشند و چنانچه هدف را متعالی و ارزشمند یافتند، هر دو برای تأمین آن هدف تمام همت و استعداد خود را به کار بندند. توجه و علاقه‌مندی به هدف، همچنین پی بردن به اهمیت و ارزش تحصیل آن از جمله عوامل انگیزشی است که به بروز رفتار و جهت‌دهی آن می‌انجامد. تربیت دینی بسته به دورنما و چشم اندازی که ارائه می‌دهد و متناسب با گرایش خاصی که در نهاد شخص پدید می‌آورد، شخص را برمی‌انگیزاند تا در مسیر تحقق چشم انداز تربیت دینی به آموزه‌های دینی توجه کافی مبذول دارد و به لوازم آن آموزه‌ها پایبند باشد.

با این بیان، هرچه عوامل برانگیزاننده قوی‌تر و راسخ‌تر باشد، انگیزه فراگیر در التزام به مفاد تربیت دینی و تعهد به ارزش‌های مورد تأکید و سفارش دین عالی‌تر خواهد بود. علاوه بر این، تربیت دینی را هموارتر و تحقق‌آثار و مظاهر آن را آسان‌تر خواهد ساخت. مهم این است که دین در پالایش و تعالی انگیزه‌های پیروان خود تا چه اندازه موفق عمل کند. این امر مستلزم بالا بردن سطح آگاهی و معرفت فراگیران نسبت به معارف و آموزه‌های دینی است. (داوودی، ۱۳۸۶: ۵۵)

۳. توانایی دینی

توانمندی فراگیر از دیگر ارکان مهم در تربیت دینی به شمار می‌رود. نظر به اینکه تربیت دینی تعهدآور است، این تکلیف و تعهد باید با میزان توانایی فرد از جهات گوناگون تناسب و توازن داشته باشد. اگر خداوند فرموده است «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، ۲۸۶) به این دلیل است که تکالیف دینی برحسب توانایی شخص تعریف و تعیین می‌شود و انسان مکلف به میزان توانایی خویش نسبت به آن تکالیف و عمل بر اساس آنها ملتزم و متعهد خواهد بود.

به طور کلی بدون عنصر توانایی روانی و عقلانی، دین‌باوری و دینداری موضوعیت نمی‌یابد و فرد ناتوان مورد خطاب امر و نهی دینی قرار نمی‌گیرد؛ لذا توانایی عقلانی را باید از ارکان روانشناختی تربیت دینی برشمرد که بدون آن تربیت دینی حاصلی ندارد؛ اما به عکس، چنان‌چه فراگیر تنها از مشکل جسمانی رنج می‌برد بدون اینکه با کمترین مشکل عقلانی و روانی روبه‌رو باشد، تربیت دینی به قوت خود باقی است و متناسب با توانایی فراگیر، تکلیف‌آور خواهد بود.

۴. معرفت و دانایی دینی

هر شخص انسانی، استعداد خاصی دارد که آفریدگار انسان به او ارزانی داشته و وجودش را به آن مجهز فرموده است تا به کمک آن به کشف و شناسایی خود و خالق خویش، همچنین به تأمل و تفکر در مورد آفرینش انسان و جهان بپردازد. پی بردن به ارزش و اهمیت این امر زمینه لازم را برای تشخیص مقام آفریننده متعال و برقراری ارتباط ویژه فرد با آن حقیقت هستی‌آفرین و هستی‌دار متعال فراهم می‌سازد. در این حالت، فرد خواسته یا ناخواسته خود را مدیون و ممنون خداوند می‌شناسد و به خضوع و خشوع در برابر او تن می‌دهد، مشروط به اینکه مانعی جدی فکر و ذهن او را از یاد خداوند غافل نکند و او را به خود مشغول ندارد.

هر حرکت رو به کمال و از جمله تربیت دینی برای شروع موفق، به منظور پایان نتیجه‌بخش آن لازم است از معرفت مدد جوید. کسب معرفت از این نظر ضروری است که اساس هر حرکت استکمالی قرار می‌گیرد و به آن جهت می‌دهد.

حضرت علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد می‌فرماید:

«یا کمیلُ ما مِنْ حَرَكَةٍ الاَّ اَنْتَ مَحْتاجٌ فِيهَا اِلَى مَعْرِفَةٍ»؛ (ابن شعبه حرانی،

۱۳۶۷: ۷۱) ای کمیل! هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو در آن به یاری

جستن از معرفت نیازمندی.

۵. گرایش‌های فطری

فطرت به تعبیری همان سرشت انسانی است که خداوند، انسان را بر اساس آن آفریده است؛ سرشتی که شاکله انسان را دربر می‌گیرد و قابل تغییر نیست، هرچند ممکن است گرد و غبار هوا و هوس بر آن بنشینند و روی آن را بپوشانند.

آفرینش انسان در بیان قرآنی و زبان روایات اسلامی بر پایه فطرت صورت گرفته است؛ یعنی هر فرد انسانی مجهز به نیرویی است که به کمک و هدایت آن می‌تواند به وجود خداوند پی ببرد، او را بشناسد و وی را پرستش کند.

در نظام تربیتی اسلام به خصوص نسبت به عاملیت و نقش کلیدی فطرت در تربیت دینی حساسیت فراوانی ابراز شده است. اگر تربیت دینی بتواند از نظر محتوا، اجرا و روش‌ها با نیازهای جدید کودکان و نوجوانان منطبق شود و با خود نوآوری و تازگی به همراه داشته باشد، گام مؤثری برای جذب نسل جوان به دینداری برداشته است. به فرموده مقام معظم رهبری:

امروز در دنیا در زنده‌ترین مسائل و علوم مورد احتیاج مردم، ساعت به ساعت روش‌های نو را پیش می‌آورند. روش‌ها دائم عوض می‌شوند و حرف‌های نو به نو می‌آیند. ما چطور می‌خواهیم حرف خود را به همان شیوه و روشی که با مردم پنجاه سال قبل گفته می‌شود، در میان گذاریم؟ (به نقل از بانکی فرد، ۱۳۸۵: ۲۳۱)

۶. احساس دینی

معرفت دینی در هر شرایطی احساس دینی متناسب با خود را در پی دارد. چنین احساسی به گونه‌ای خاص در وجود شخص تجلی می‌یابد تا بتواند گرایش‌ها و رفتار فرد را سامان دهد. احساسی که در اثر معرفت ایمانی به شخص دست می‌دهد، گرایش‌های متعالی او را تقویت می‌کند و به رفتار و اعمال و حرکات او جهت می‌بخشد. این احساس و گرایش‌های متعالی ناشی از آن، به طور طبیعی و فطری برای شخص حاصل می‌شود، با وجود این انتخاب یک سبک و جهت خاص به بینش ایمانی و معرفت اعتقادی خود شخص بستگی دارد.

معرفت دینی به صاحبش کمک می‌کند این جهت را تحت تأثیر تربیت دینی و متناسب با خاصیت و مفاد آن برگزیند. معرفت، احساس، گرایش و انتخاب از عناصر روانشناختی سامان‌دهی تربیت دینی هستند؛ هرچند خود از تربیت دینی اثر می‌پذیرد. از میان این عناصر، هر اندازه معرفت انسانی نافذتر و دقیق‌تر باشد، احساس و گرایش و انتخاب نیز مطمئن‌تر و جذاب‌تر خواهد بود.

بر این اساس، احساس مطمئن‌تر به تحصیل گرایش‌های برتر می‌انجامد و گرایش‌های برتر نیز به شوق مؤکد نسبت به گزینش شایسته‌تر مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها کمک می‌کند. تربیت دینی نه تنها بر پایه این عناصر شکل می‌پذیرد، بلکه به سهم خود مسیر دستیابی به اهداف تربیت دینی را هموار می‌سازد و به شخص و جنبه‌های وجودی و زندگی او جهت می‌دهد.

بنابراین، لازم است معلمان و مربیان دینی با توجه به ظرفیت‌های معرفتی، احساسی، گرایشی و ارادی فراگیران در انتخاب و پذیرش باورها و ارزش‌های دینی اهمیت قایل باشند و با توجه به این عوامل از وظیفه هدایت‌گرانه و روشنگرانه خویش

غفلت نورزند و با راهنمایی‌های ارزشمند، راه را فراروی فراگیران روشن سازند تا آنان خود از میان گزینه‌های گوناگون جهت انتخاب برتر اقدام کنند. این عوامل چهارگانه که باشند، مربی کوچک‌ترین تحمیل و اجباری را در سبک، فرهنگ و محتوای تربیت دینی احساس نخواهد کرد و در نتیجه تربیت دینی موافق طبع او صورت خواهد پذیرفت. هنگامی که راه درست از نادرست و رشد از گمراهی و حق از باطل به خوبی تشخیص داده شود، مجالی برای اکراه و الزام در مسیر دین‌گرایی و تربیت دینی فرد باقی نمی‌ماند.

موانع و آسیب‌ها در تربیت دینی

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان برخی از موانع موجود در تربیت دینی را در جدول زیر نمایش داد:

۱	احساس بی‌مسئولیتی و اقدام ننمودن بر آموزش و پرورش دینی
۲	کندی و سستی نمودن در آغاز آموزش کودک و نوجوان
۳	متناسب نبودن روش و محتوای آموزشی دینی با سطح شناختی و توجه به مقاطع سنی
۴	آغاز ننمودن آموزش‌ها با آموزش قرآن و پیام‌های قرآنی
۵	رفتاری ننمودن آموزش و پرورش دینی
۶	بی‌تفاوتی در مورد آموزه‌های دینی

(منبع: فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰)

تفاوتی که تربیت دینی با تربیت غیر دینی دارد، در این نکته است: تربیت دینی بنا دارد خروجی آن بندگی باشد؛ یعنی انسان را برای بندگی مهیا کند، اما تربیت غیر دینی می‌خواهد انسان را برای زندگی آماده کند.

در نقطه مقابل، تربیت مکاتب غیر الهی در این زمینه نتوانسته زندگی امن و آرامی ایجاد کند. به عنوان مثال؛ از نظام‌های آموزشی توسعه یافته معاصر، آمریکا و سوئد است، اما خودکشی در سوئد و جنایت در آمریکا بیداد می‌کند.

مفهوم دیگری که برای تربیت دینی در نظر گرفته می‌شود، به فرآیند تربیت دینی- دین‌باوری، دین‌مداری و شخص دین‌باور و دین‌مدار- نظر دارد. با این بیان تربیت دینی به مفهوم بررسی نقش دین در تربیت انسان با تربیت دینی به مفهوم محصول تربیت- دین‌باوری و دین‌مداری- از یکدیگر متمایز می‌شوند؛ البته هر بررسی مبانی روانشناختی تربیت دینی می‌توان به هر دو برداشت توجه کرد.

دین از این جنبه که دارای عناصر، کلیشه‌ها، راهبردها و راهکارهایی است و می‌تواند انسان را دگرگون سازد و انسان دین‌باور نیز از این جنبه که در اثر تربیت دینی، اندیشه و گفتار و رفتارش متحول می‌گردد، لازم است در کانون توجه تحلیل‌گران تربیت دینی قرار گیرد؛ از این رو هم تدین و هم انسان دین‌باور و دین‌مدار، باید شناسایی و معرفی شوند تا تربیت دینی معنا و مفهوم پیدا کند.

از آن‌چه درباره دین و تربیت گفته شد، روشن گردید که مفهوم تربیت دینی در ارتباط با سه محور شناخت، ایمان و عمل قابل تحقق است. این سه عنصر در تربیت دینی هر کس نقش اساسی دارد و مربی بر همین اساس باید عمل تربیت دینی را اجرا کند.

بنابراین، تربیت دینی فرایندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد.

سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش و مبانی نظری آن

سند تحول بنیادین به عنوان قانون اساسی نظام تعلیم و تربیت ایران قرار دارد که در مقدمه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده است: تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است.

احراز عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی پیشرفت همه‌جانبه و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی در عرصه‌های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مانند احیای تمدن اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم متقی و آزاده و اخلاقی است.

تعلیم و تربیتی که تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد، در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد‌های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد.

در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ شمسی تبیین شود.

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴ ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته

با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی- انقلابی و الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی است. (بحری‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲)

علت پیدایی این سند نیز در پی مطالبه مکرر مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت تحول بنیادین در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی- ایرانی و پرهیز از الگوی وارداتی بود که طراحی و عملیات اجرایی سند در قالب سه کمیته آغاز شد و سرانجام با بهره‌گیری از نتایج مطالعات ۷۰۰ پروژه پژوهشی که توسط حدود ۵۰۰ نفر از پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه انجام گرفته بود، بسته سند ملی آموزش و پرورش در چهار بخش زیر تصویب و آماده شد:

۱. فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران
۲. فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران
۳. رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران
۴. سند تحول راهبردی نظام فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران. (بحری‌زاده، ۱۳۹۲)

همان‌طور که از این عناوین به دست می‌آید و به باور بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک سند تربیتی است؛ چرا که شاکله و شالوده اصلی آن را طراحی راهبردها و ارائه راهکارهایی تشکیل داده است که در صورت اجرای درست منجر به تربیت دانش‌آموز تراز جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از گذر اجرای بندهای این سند، دانش‌آموزان ضمن تقویت و تثبیت پایه‌های ایمان خود- در دوران تحصیل- مجموعه‌ای از نیازمندی‌های فکری و معرفتی، علمی و کاربردی را که در زندگی به آن نیاز دارند، می‌آموزند و در مدرسه تجربه می‌کنند.

بر پایه این سند، مدرسه جلوه‌ای از تحقق مراتب حیات طیبه و کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیت است؛ بنابراین باید زمینه و بستر آموزش‌های نظری و مهارت‌های زندگی را فراهم سازد، به نحوی که دانش آموزان با طی هر دوره تحصیلی از دانایی و توانایی‌های بیشتری برای زندگی پاک بهره‌مند گردد. (بحری‌زاده، ۱۳۹۲)

مقام معظم رهبری در این ارتباط فرمودند:

در سال‌های اخیر اقدامات قابل تقدیری در آموزش و پرورش انجام شده که مهم‌ترین آنها تهیه سند تحول بنیادین است؛ اما رسالت اصلی اجرای این سند، تحول است. (دیدار با فرهنگیان، اردیبهشت ۱۳۹۱)

سند تحول بنیادین و مقوله تربیت دینی

در طول تاریخ و برای همه ملل موضوع تعلیم و تربیت مهم‌ترین موضوع بوده است؛ چون موضوع آن انسان است که مهم‌ترین موضوع عالم هستی است، مهم‌ترین موضوعی که خداوند خلق کرده و هر اتفاقی بخواهد در عالم هستی بیفتد، نتیجه اتفاقاتی است که برای انسان و در درون انسان رخ می‌دهد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». (رعد، ۱۱)

بر این اساس، هر اتفاق بیرونی نتیجه تغییر و به نتیجه رسیدن موضوع انسان بیان شده است؛ پس هر مسئله‌ای که به انسان مربوط باشد، مهم است؛ به خصوص مسئله‌ای که به انسانیت و حقیقت انسان برمی‌گردد و موضوع تعلیم و تربیت انسان و حقیقت آن است.

اولین هدف تعلیم و تربیت، ساختن انسان‌هاست و ساختن انسان چیزی نیست که بشود به او تحمیل کرد؛ بلکه برداشتن موانع است. خدای متعال همه استعدادهای الهی شدن را در دل انسان‌ها قرار داده است؛ اما موانع غفلت‌ها و موانع

اجتماعی سر راه این تکامل وجود دارد. هنر تعلیم و تربیت این است که این موانع را رفع نماید تا انسان بتواند حرکت کند و خودش را بشناسد و تحمیلی هم در کار نیست؛ چون نمی‌شود اخلاق انسانی و ارزش‌های الهی را با تحمیل جا انداخت و در وجود کسی نهادینه کرد.

در سند تحول بنیادین به مقوله تربیت دینی از دو منظر مبانی و ساحت‌ها پرداخته شده است که به موارد آن اشاره می‌گردد:

۱. مبانی اساسی تربیت بر حسب موضوع

- مبانی هستی‌شناختی؛ بخشی از گزاره‌های توصیفی - تبیینی درباره خداوند و دیگر عناصر هستی است در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی به طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته است. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۴۹)
- مبانی انسان‌شناختی؛ آن دسته از گزاره‌های توصیفی - تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی در مقام توصیف خصوصیات عموم افراد نوع بشر یا از مباحث مربوط به تعریف انسان در فلسفه اسلامی - علم النفس فلسفی - استخراج شده و باید آنها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای کلی انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هر گونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست. (همان: ۵۷)
- مبانی معرفت‌شناختی؛ بخشی از گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است که بنا بر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت عرصه معرفت‌شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان‌شناختی متمایز

گشته است؛ هرچند در متون رایج فلسفه اسلامی با وجود پرداختن به بسیاری از مباحث این عرصه، چنین تمایزی وجود ندارد. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۷۷)

- مبانی ارزش‌شناختی؛ مباحثی درباره ماهیت ارزش‌ها و نحوه درک و اعتباربخشی آنها و نیز بخشی از گزاره‌های مربوط به بیان مصادیق ارزش‌های معتبر و چگونگی تحقق آنها بر اساس نظام معیار مقبول در جامعه اسلامی است که عموماً از حوزه فلسفه اخلاق و حکمت عملی بارویکرد اسلامی یا از منابع بیان‌گر نظام ارزشی و اعتقادی اسلام، به عنوان اصول موضوعه اخذ شده‌اند. (همان: ۸۷)

- مبانی دین‌شناختی؛ این دسته از مبانی صرفاً به مباحثی درباره دین می‌پردازد که در حیطه دانش فلسفی مضاف فلسفه دین یا بعضاً در حوزه مباحث کلام جدید قرار می‌گیرد. بیان این‌گونه مباحث در شمار مبانی اساسی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، برخلاف رویه متعارف در بیان مبانی فلسفه تربیت، از این جهت ضرورت یافته است که دین در تنظیم و هدایت تربیت بر اساس دیدگاه اسلامی، نقش محوری دارد؛ لذا باید در فلسفه تربیتی جامعه اسلامی، تلقی مقبول خود از دین حق و نحوه اثرگذاری و حدود وظایف آن در زندگی آدمی به وضوح مشخص شود. (همان: ۱۰۷-۱۰۶)

۲. تربیت از منظر ساحت‌های شش‌گانه تربیت

انسان موجودی دارای ابعاد و ساحت‌های مختلف است و با دیگر موجودات جهان ارتباط‌هایی دارد، از آنها تأثیر می‌پذیرد و بر آنها تأثیر می‌گذارد. از آنجا که تعلیم و تربیت فرایندی جهت‌ایجاد، شکوفایی، تصحیح، تقویت، تعدیل و هدایت بینش‌ها، گرایش‌ها، استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد مختلف روح و بدن برای رسیدن به کمال مطلوب است؛ در عین حال با همه این ابعاد و ساحت‌ها سر و کار دارد.

به این ترتیب، هنگامی از تعلیم و تربیت سخن گفته می‌شود، از انواعی قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی بحث می‌شود که در ابعاد مختلف روح و بدن انسان قرار دارند و انسان برای وصول به کمال مطلوب خود نیازمند آن است که با یاری دیگران، آنها را به فعلیت برساند یا تصحیح، تعدیل، تقویت و هدایت کند.

برای معلوم شدن بیشتر ضرورت این بحث، باید توجه کرد که هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی به دست دادن آگاهی‌ها، مهارت‌ها و به فعلیت رساندن استعداد‌های انسان در جهت قرب الهی است و بنا بر مبانی انسان‌شناختی، همه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های وجودی انسان در قرب به خداوند تأثیر دارند؛ اما انسان‌ها صرف نظر از ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی که در نیازهای آموزشی و استعدادها با یکدیگر دارند، دارای ابعاد و جوانب مشترک و متنوعی هستند که مطالعه و بررسی دقیق این استعدادها و نیازمندی‌های مشترک، مستلزم تفکیک ابعاد و جوانب آن است.

به همین دلیل است که در دانش تعلیم و تربیت نیز برای فرآیند تعلیم و تربیت، ساحت‌های مختلفی در نظر گرفته می‌شود و به این وسیله، حوزه‌های خاص تعلیم و تربیت از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

بیان این نکته لازم است که مقصود از ساحت، حوزه محدود و دامنه خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرد، مشروط بر آن‌که اولاً این حوزه‌ها در عرض یکدیگر باشند و ثانیاً برای انسان از آن جهت که انسان است، در نظر گرفته شده باشند.

بنابراین، هنگامی نیازهای مشترک و همعرض انسان‌ها، معیار تقسیم حوزه‌های تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند، این حوزه‌ها ساحت‌های تعلیم و تربیت نامیده می‌شوند که عبارتند از:

أ. ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

به طور کلی دو گونه تربیت دینی قابل تصور است: تربیتی که چارچوب بنیادی و اصول آن بر اساس دین و آموزه‌های دینی باشد و دیگری، بخش خاصی از تربیت که برای تقویت روند دین‌داری و دین‌ورزی متربیان صورت می‌پذیرد که برای تمایز این دو شکل از تربیت دینی، نوع اخیر تربیت ساحت اعتقادی و عبادی نام نهاده شده و به سبب نزدیکی و خویشاوندی اخلاق و دین، در مجموع ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی نامگذاری شده است.

این ساحت، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است، ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متربیان و شامل همه تدابیر و اقداماتی است که جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری متربیان نسبت به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، اعمال و صفات اعتقادی- عبادی و اخلاقی و در راستای تکوین و تعالی هویت دینی و اخلاقی ایشان صورت می‌پذیرد؛ لذا قلمرو ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی و پیروی از ایشان است.

هم چنین این ساحت ناظر به سایر عقاید و ارزش‌های دینی، ایمان، تقید عملی به احکام، مناسک و ارزش‌های دینی و رعایت اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره در همه ابعاد فردی و اجتماعی و تلاش پیوسته برای خودسازی بر اساس نظام معیار به منظور مهار غرایز طبیعی، تعدیل عواطف و خویش‌داری، حفظ کرامت و عزت نفس، کسب صفات و فضایل اخلاقی و پیشگیری از تکوین صفات و رذایل اخلاقی است. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۲۹۹) رویکرد این ساحت نیز مبتنی بر فطرت‌مداری، عقلانیت محوری، مشارکت، انعطاف‌پذیری، فعال بودن، مسئله‌محوری و چند بعدی بودن است.

ب. ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

این ساحت بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متریان را قادر می‌سازد شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند.

قلمرو این ساحت شامل این موارد است: ارتباط مناسب با دیگران، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی، رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی، بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان‌فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم، توانایی‌های زبان ملی و محلی و زبان جهانی. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۳۰۳-۳۰۲)

رویکرد این ساحت نیز برای عضویت فضیلت‌مدارانه در خانواده صالح و جامعه صالح است.

ج. ساحت تربیت زیستی و بدنی

این ساحت بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است.

قلمرو این ساحت که پرورش قوای بدنی و تأمین سلامت جسمی است، این موارد را پوشش می‌دهد: تربیت جنسی، سلامت فردی و اجتماعی به منظور تأمین نیازهای اساسی، حفظ شادابی در زندگی، برخورداری از رفاه و سلامت، استفاده از تفریحات سالم و اوقات فراغت، مراقبت از جسم و روح و پاکیزگی و آراستگی فردی،

بهداشت زیست محیطی، قلمروهای زیست بوم شهری، آگاهی از الگوهای صحیح تولید و مصرف و یادگیری عادت‌ها و گرایش‌ها در حفظ پاکیزگی و سلامت محیط شهری و منابع طبیعی به منظور شناخت طبیعت و احترام قائل شدن برای آن. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۳۰۵)

رویکرد این ساحت نیز تعامل مستمر روح و بدن با این توضیح است که در این جهت‌گیری رابطه روح و بدن رابطه‌ای بنیادین، عمیق و در اصل هستی است. (مؤمنون، ۱۴؛ اسراء، ۸۵)

د. ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

این ساحت بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متریبان به منظور توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی و توان خلق آثار هنری و نیز قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری است. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۳۰۷)

رویکرد این ساحت، تربیت هنری موضوع‌محور به مثابه رویکرد اصلی و رویکرد دریافت احساس و معنا به منزله رویکرد مکمل و به مثابه جهت‌گیری کلی این ساحت است.

م. ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

این ساحت بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی - بعد اقتصادی و معیشتی - است و ناظر به رشد توانایی‌های متریبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای است؛ اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام

معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰، ۳۰۹)

رویکرد این ساحت نیز جهت‌گیری کل‌نگر و تلفیقی است.

ی. ساحت تربیت علمی و فناوری

این ساحت بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به کسب شایستگی‌ها، صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌هایی است که متریبان را در شناخت و بهره‌گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متریبان قادر شوند با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی - نگاه آیه‌ای به هستی - و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت - نگاه ابرازی - بینشی ارزش‌مدار کسب کنند.

ترکیب نگاه آیه‌ای و ابرازی منجر به تصرف و بهره‌گیری مسئولانه از طبیعت منجر خواهد شد که می‌تواند به یک راهبرد اساسی در نگاه انسان به طبیعت و حفظ و مراقبت از آن بیانجامد؛ لذا این ساحت از تربیت ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش‌افزایی، بکارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری و نیز ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است.

رویکرد این ساحت نیز جهت‌گیری کل‌نگر و تلفیقی در چارچوب نظام معیار اسلامی است. به بیان دیگر، تلفیق نظر و عمل یا توجه همزمان به تربیت نظری و عملی که در معنای وسیع‌تر ناظر به تلفیق علم و فناوری است. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۳۱۱)

۳. نقاط قوت سند تحول

- تهیه سند بر اساس آرمان‌ها و ایدئولوژی حاکم جامعه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تهیه و تدوین اهداف آموزشی و تربیتی، توجه به جهان‌بینی حاکم بر جامعه است؛ همچنین در این الگو به فلسفه تعلیم و تربیت در کنار روانشناسی تربیت به عنوان صافی تدوین اهداف یاد شده است. (شعبانی، ۱۳۸۵، ۱۴۴) بر این اساس سند تحول بنیادین بر گرفته از فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است.
- توجه به ساحت‌های شش‌گانه و ابعاد تربیتی
- تأثیر عوامل اجتماعی در تربیت دینی
- تأثیر عوامل اجتماعی نظیر گروه‌های مرجع و رسانه‌ها در تربیت دینی اگر با تکیه بر اصول تربیت دینی باشد مفید است. (سند تحول راهبردی، ۱۳۹۰: ۲۸)

۴. نقاط ضعف سند تحول

- نبود کلمه تقوا در سند
- تقوا مانع از بسیاری از فریب‌هاست و به عنوان یک هدف عملیاتی قابل ذکر و راهگشا است و فریب‌های بسیار زیادی را در این راه از بین خواهد برد. همه فضائلی که در این سند به عنوان هدف کلان اول ذکر شده است، در اینها مشکلاتی وجود دارد؛ مثلاً اینجا نوشته شده است که جمع‌گرا باشید، جهان‌اندیش باشید، آیا جهان‌اندیشی مبتنی بر تقوا مد نظر است یا خیر؟ دانش آموز باید در آموزش و پرورش طوری تربیت شود که توانمند باشد و ملکه تقوا را کسب نماید. (پناهیان، ۱۳۹۲)
- عدم انطباق مفاهیم دینی در قرآن و سند تحول
- این سند با آنچه که دین واقعاً از ما می‌خواهد و خداوند متعال در فلسفه حیات انسان در این دنیا قرار داده است، فاصله دارد. در سند تحول، بیشتر

بحث عدم انطباق صدق می‌کند؛ یعنی اگر در مجموعه معارف دینی یک نگاه کلان و کل نگر داشته باشیم، می‌بینیم که معارف دینی ما را به سمتی می‌برند و بر مفاهیمی تأکید می‌کنند که این سمت و سو در سند تحول نیست. به بیان دیگر، آن مفاهیمی که در قرآن به عنوان یک کتاب تربیتی و انسان‌ساز بر آنها تأکید شده است، همان مفاهیم باید در سند تحول آموزش و پرورش نیز مفاهیم کلیدی به حساب بیایند. (پناهیان، ۱۳۹۲)

- مشکلات برنامه‌ریزی و آموزش تربیت دینی و اخلاقی؛ شامل:

○ ظاهرگرایی و نقل‌گرایی، تسلط صبغه احکام و آداب بر سایر وجوه در تربیت دین

○ همراهی بیش از اندازه تربیت دینی با غم

○ انتظارات نادرست نظام تعلیم و تربیت دینی از مخاطبان

○ ناکارآمدی نسبتاً ذاتی نظام آموزش و پرورش رسمی متمرکز در

امر تربیت دینی

○ مستقیم بودن آموزش در تربیت دینی با توجه به ضرورت اتخاذ

رویکردهای غیر مستقیم

○ تسلط وجه عاطفی در تربیت دینی و لزوم توجه به گفتمان عقلی

○ عدم امکان تربیت دینی به مفهوم سنتی آن در جهان امروز

○ همراه نبودن دعوت عملی با دعوت کلامی در تربیت دینی

○ عدم توجه به زبان روز و تحولات دنیای جدید و ضرورت

بکارگیری قالب‌ها و روش‌های جدید و محتوای کتاب‌های تعلیمات دینی.

(عیسی‌پور، ۱۳۹۳)

- رویکرد دین‌دهی به جای رویکرد دین‌یابی

- عدم تأمین نیروی انسانی متخصص و متعهد در زمینه امور تربیتی و قرآنی
 - عدم آموزش دینی به خانواده‌ها و سایر کارکنان مدرسه در زمینه رفتار دینی
 - عدم برنامه‌ریزی دینی برای دانش آموزان در سن قبل از دبستان
 - مشکل برگزاری نماز جماعت در بیشتر مدارس
- به دلیل تکنوبتی شدن مدارس، اوقات شرعی نماز ظهر و عصر همزمان با تعطیلی مدارس است که باعث می‌شود نماز برگزار نگردد؛ همچنین برخی مدارس با کمبود فضای مناسب برای نماز خواندن، طرح در محضر قرآن و آموزش عملی نماز روبرو هستند.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم اینکه در چند دهه گذشته تلاش‌های فراوانی از سوی دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح این نظام به عمل آمده، اما هنوز آموزش و پرورش با چالش‌های جدی مواجه است و برونداد آن در تراز جمهوری اسلامی ایران پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست؛ از این رو تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ایرانی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی و تقلیدی، چراغ راه بیرون رفتن از چالش‌های آن است.

سند تحول بنیادین به عنوان نقشه و قانون اساسی آموزش و پرورش جهت رسیدن به اهداف عالی تعلیم و تربیت بر اساس آموزه‌های دینی، قرآنی و اسلامی تهیه شده است. در این سند به تربیت دینی در کنار سایر جنبه‌های تربیت توجه شده است که به عنوان یکی از نقاط قوت این سند است. این سند در حوزه تربیت دینی و قرآنی در کنار دارا بودن نقاط قوت، نقاط ضعفی نیز دارد که در متن پژوهش به آنها اشاره شد.

به طور کلی مهم‌ترین رسالت نظام اسلامی، برنامه‌ریزی وهمفکری برای رشد و پرورش انسان‌های مؤمن و عامل به تعالیم اسلامی و قرآنی است که انجام این رسالت، بالندگی و دوام و استکمال نظام اسلامی را به دنبال دارد؛ همچنین بستری فراهم می‌کند که آحاد جامعه وظایفی را که خداوند برای آنها معین فرموده، انجام دهند تا به سوی فلاح و رستگاری گام بردارند؛ لذا آموزش و پرورش به عنوان نظام آموزشی جامعه باید آینده‌سازان این مرزوبوم را بتواند در راه راست که همان تربیت دینی و قرآنی برگرفته از قرآن کریم است، رهنمون کند

بر این اساس، پیشنهادهای زیر می‌تواند راهگشا باشد:

- انجام پژوهشی مستقل به منظور مشخص شدن این که چند درصد از بدنه کارشناسی وزارت آموزش و پرورش و تا چه میزان سند را فهمیده و چند درصد و تا چه میزان بدان معتقد هستند.
- اختصاص بودجه کافی برای فعالیت‌های دینی و قرآنی و آموزش رودرروی قرآن به عنوان شیوه برتر آموزش قرآن کریم
- ارائه راهکارهای مناسب و علمی با توجه به همه انواع تربیت به ویژه تربیت دینی و قرآنی بر اساس ساحت‌های شش‌گانه.
- بکارگیری حافظین قرآن، مربیان تربیتی و دینی و قرآنی متخصص به منظور تربیت دینی و قرآنی دانش‌آموزان
- انجام تحقیقات دقیق‌تر در مورد مؤلفه‌های دینی قرآنی و حیات طیبه در سند
- انجام تحقیقات در حوزه اخلاق در سند
- عملیاتی کردن سند در سطح خرد مدرسه.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. تارنمای مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir/index.html>
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۱). تحف العقول. بتصحیح علی اکبر غفاری. چاپ ۲. قم: جامعه المدرسین.
۵. اصول حاکم بر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸).
۶. بانکی فرد، امیرحسین (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری. گروه پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.
۷. بحری‌زاده، اسماعیل (۱۳۹۲). سرمشق تربیت. تهران: انتشارات منادی تربیت.
۸. پناهیان، علیرضا (۱۳۹۲). سوگیری طرح تحول آموزش و پرورش به سمت معارف غیر دینی. <http://www.ghatreh.com/news/nn8726883>
۹. حاجی بابائیان امیری، محسن (۱۳۹۱). روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام. چاپ ۳. تهران: انتشارات سروش.
۱۰. داوودی، محمد (۱۳۸۶). نقش معلم در تربیت دینی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۱. سند تحول راهبردی نظام تعلیم تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۲. شعبانی، حسن (۱۳۸۵). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۸۷). تربیت اسلامی. تهران: نشر تربیت اسلامی.
۱۴. عیسی‌پور، علی اصغر (۱۳۹۳). بررسی و نقد تربیتی دینی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. قم: کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۱۵. فرمبهنی فراهانی، محسن (۱۳۹۰). تربیت در نهج البلاغه. تهران: انتشارات آیپژ.
۱۶. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.